

پناهیان: با تغییر محبت، به همه چیز خواهیم رسید

حجت الاسلام علیرضا پناهیان در اولین سخنرانی خود در مراسم عزاداری دانشگاهیان برای سالار شهیدان که بعد از نماز ظهر و عصر در مسجد دانشگاه تهران برگزار می‌شود گفت: اگر بخواهیم یک ذره از حب الله را بچشم چه کار باید بکنیم؟ امام صادق (ع) می‌فرماید: خدا وقتی بنده‌ای را دوست داشته باشد و برایش خیر بخواهد، یک ذره از محبت امام حسین (ع) را به دلش می‌چسباند؛ مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ الْخَيْرَ قَدَفَ فِي قَلْبِهِ حُبَّ الْحُسَيْنِ ع وَ حُبَّ زِيَارَتِهِ» وقتی بنده‌ای، این محبت را چسبید، خود به خود یک بی‌قراری خاصی پیدا می‌کند، این حال خاص توضیحی است برای بی‌قراری و محبت غیرقابل توضیح نسبت به خداوند.

بخش‌هایی از **اولین روز سخنرانی** حجت الاسلام علیرضا پناهیان در مسجد دانشگاه تهران با موضوع «**محبت خدا؛ نزدیک‌ترین راه**» را در ادامه می‌خوانید:

گرفتاری اغلب انسان‌ها این است که دنبال علایق خود هستند اما دنبال تغییر علایق خود نیستند/انسان

قدرت تعیین و تغییر علایق خود را دارد

یکی از گرفتاری‌های مهم ما انسان‌ها این است که دنبال برآوردن علایق و آرزوهای خودمان هستیم اما به دنبال تغییر علایق و دوست‌داشتنی‌های خودمان نیستیم و این یکی از مصیبت‌های بزرگ انسان و ناشی از نادانی اوست. اینکه سعی می‌کنیم آنچه که دوست داریم را هرطور شده به دست بیاوریم و کاری نداریم به اینکه اساساً این چیزهایی که دوست داریم و آیا ارزش به دست آوردن دارند یا نه؟! یا اساساً امکان رسیدن به آن علایق و آرزوها امکان دارد یا اینکه باید از آنها صرفنظر کنیم و به محبت‌هایی دل ببندیم که دسترسی به آنها ممکن است.

امروز یکی از گرفتاری‌های بزرگ جامعه بشری نیز همین مسأله است، چون فرهنگ غالب و حاکم به انسان‌ها می‌گوید: «هر چیزی که دوست دارید و دلتان می‌خواهد، بروید و به آن برسید» در حالی که انسان‌ها قدرت تغییر محبت‌های خودشان را دارند و قدرت تعیین محبوب خود را دارند؛ یعنی می‌توانند معین کنند چه چیزی را دوست داشته باشند.

نکته بسیار مهم این است که بعضی از محبوب‌ها ارزش و ظرفیت دوست داشتن بالا را ندارند، اصلاً بعضی چیزها را نمی‌شود زیاد دوست داشت. وقتی نمی‌شود آن را زیاد دوست داشت، پس اگر به آن برسیم لذت زیادی برای ما تأمین نخواهد کرد. یعنی برآوردن آن علایق، دردی را از ما دوا نمی‌کند. نتیجه‌اش این می‌شود که بعد از رسیدن به آن محبوب، انسان دنبال یک محبوب غایب دیگری خواهد رفت تا آن را به دست بیاورد و الی آخر، یعنی این روند بی‌فایده ادامه پیدا می‌کند.

می‌توانیم دوست‌داشتنی‌های خود را طوری تغییر دهیم که به عبادت و دینداری عشق بورزیم/ با تغییر

محبت، به همه چیز خواهیم رسید

همه ما باید به خودمان و دیگران یاد بدهیم و یادآوری و سفارش کنیم که «بر سر اصل محبت خودمان کار کنیم». بعضی‌ها که بی‌دینی می‌کنند به خاطر این است که «دوست ندارند» دینداری کنند؛ یعنی علاقه و محبتی ندارند که آنها را به سمت دینداری بکشد. اینها باید موقعیت دوست‌داشتنی‌های خود را به درستی تغییر دهند؛ در این صورت عشق‌شان این خواهد بود که دینداری

کنند. رسول خدا(ص) می‌فرماید: «بهترین مردم کسی است که به عبادت عشق بورزد و آن را در آغوش کشد، و آن را از صمیم دل دوست داشته باشد، و با اعضاء و جوارح خود انجامش دهد؛ أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْبَيَادَةَ فَعَانَقَهَا وَ أَحَبَّهَا بِقَلْبِهِ وَ بَاشَرَهَا بِخَسَدِهِ» (کافی/۸۲/۲) یعنی همان‌طور که بعضی‌ها دنیا را دوست دارند و به هر قیمتی می‌خواهند به علایق دنیایی خود برسند، اینها عاشق عبادت می‌شوند و هرطوری شده می‌خواهند با نماز و عبادت همراه باشند. این به خاطر تغییر جایگاه و مصداق محبت در دل انسان است. ما اگر به تغییر محبت اقدام کنیم به همه چیز خواهیم رسید و ما این قدرت را داریم.

اگر به اینکه چه چیزی محبوب ما قرار می‌گیرد توجه نکنیم، قطعاً حب دنیا نصیب‌مان خواهد شد

اگر محبت خود را رها کنیم و به اینکه چه چیزی محبوب ما قرار می‌گیرد توجه نکنیم، چه اتفاقی می‌افتد؟ محبت در مقام تشبیه، مثل آب است که اگر رها شود در شیارهای زمین فرو می‌رود اما اگر آن را جلوی آفتاب نگه داریم، به آسمان می‌رود و پاک و طیب می‌شود و وقتی به زمین برمی‌گردد همه چیز را پاک می‌کند. اگر دل‌مان را به سمت خدا نگه داریم و به خدا توجه کنیم، خداوند دل ما را جذب می‌کند.

اگر قلب خود را به سمت خدا نگه داریم، به تدریج به خدا علاقمند خواهد شد، و از آنطرف اگر قلب خود را در مقابل دنیا رها کنیم، قطعاً حب دنیا نصیبش خواهد شد. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «مردم فرزندان دنیا هستند و بچه هم طبیعتاً مادرش را دوست دارد؛ النَّاسُ أَوْلَادُ الدُّنْيَا وَ الْوَالِدُ مَطْبُوعٌ عَلَى حُبِّ أُمَّهُ» (غررالحکم/ص ۱۰۰) بنابراین کسی که روی محبت خودش کار نکرده باشد، قطعاً حب دنیا دارد و رسول خدا(ص) می‌فرماید: «محال است محبت دنیا و محبت خدا در یک قلب جمع شوند؛ حُبُّ الدُّنْيَا وَ حُبُّ اللَّهِ لَا يَجْتَمِعَانِ فِي قَلْبٍ أَبَدًا» (مجموعه ورام/۱۲۲/۲)

نزدیک‌ترین راه برای خارج کردن حب دنیا از دل و رسیدن به سعادت، پرداختن به «حب الله» است/ هر

قدمی که به سمت حب الله برداریم، یک قدم از حب دنیا دور شده‌ایم

اگر کسی بخواهد حب دنیا را از دلش خارج کند، چه کار باید انجام دهد؟ نزدیک‌ترین راه برای خارج کردن حب دنیا از دل و رسیدن به همه سعادت‌های دنیوی و اخروی پرداختن به «حب الله» است. هر یک قدمی که به سمت حب دنیا برویم یک قدم از حب الله فاصله گرفته‌ایم و هر قدمی که به سمت حب الله برداریم، یک قدم از حب دنیا دور شده‌ایم. البته منظور این نیست که دنیا را رها کنیم، اتفاقاً وقتی کسی به سمت حب الله می‌رود، دنیایش بهتر هم می‌شود.

خداوند می‌فرماید: «کسی که ایمان داشته باشد، شدیدترین محبت را به خدا خواهد داشت؛ وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (بقره/۱۶۵) اما اینکه خیلی از مردم می‌گویند ما خدا را دوست داریم، در واقع «حب الله» نیست، این فقط یک علاقه دم دستی است که باعث می‌شود یک مقدار محبت خدا را بفهمیم و الا «حب الله» خیلی بالاتر از اینهاست؛ امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «محبت خدا آتشی است که به چیزی نمی‌خورد مگر اینکه آن را می‌سوزاند؛ حُبُّ اللَّهِ نَارٌ لَا تَمُرُّ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا أَحْتَرَقَ» (مصباح الشریعه/ص ۱۹۲) اگر به حب الله توجه کنیم و درباره‌اش تفکر کنیم، واقعاً انسان را واله و دیوانه می‌کند و این فقط یک استعاره در ادبیات عرفانی ما نیست بلکه اثر عشق و محبت خدا واقعاً این قدر شدید است.

کار اصلی ما تلاش برای دوست داشتن خدا است/ وقتی محبت خدا فراموش شود، محبت غیر خدا در دل

انسان می‌افتد

کار اصلی ما این است که سعی کنیم خدا را دوست داشته باشیم؛ البته باید برای این مقصود، تصمیم بگیریم و عزم داشته باشیم و این باید با تمناً، منت کشی، توجه و تضرع همراه باشد.

متأسفانه اکثر آدم‌ها، منغل هستند و بیشتر دنبال این هستند که چه چیزی برایشان پیش می‌آید، بعداً یک اقدامی انجام می‌دهند. مثل موقعی که یک بیماری و مرضی پیش می‌آید و انسان شروع می‌کند به درمان کردن، یا یک گرفتاری پیش می‌آید و شروع می‌کنند به برطرف کردن. ما در اینجا یک دوا بی معرفتی می‌کنیم برای انسان‌های بی‌درد که این دوا به ظاهر هیچ دردی را تسکین نمی‌دهد! چون این‌طور نیست که انسان یک‌جایی از وجودش درد بگیرد و بعد بگوید: «من محبت خدا را لازم دارم!»

کار اصلی ما پرداختن به حب الله است که متأسفانه منسی شده است و وقتی محبت خدا فراموش شود، محبت غیر خدا در دل انسان می‌افتد. امام صادق (ع) می‌فرماید: کسی که دلش از ذکر و محبت خدا خالی شد، خداوند او را مجازات می‌کند به اینکه محبت غیر خدا را در دل او می‌اندازد. (سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْبِشْقِ قَالَ قُلُوبُ خَلَتْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ حُبَّ غَيْرِهِ: امالی شیخ صدوق/ص ۶۶۸)

در کلاس معارف فقط خدا را اثبات می‌کنیم ولی نوعاً خبری از بحث محبت خدا نیست/ جامعه‌ای که حب الله در فرهنگش حاکم نباشد، از آلودگی پاک نمی‌شود

از نظر فرهنگی هم جامعه‌ای که حب الله، آن جامعه را فرارگرفته باشد و در فرهنگش جای کلیدی و اصلی نداشته باشد و حاکم نباشد، این جامعه آکنده از آلودگی خواهد بود و کسی که در این جامعه تنفس کند بیمار خواهد شد. **اگر در جامعه‌ای مردم حاضر باشند پول بدهند و سر کلاس «موفقیت» بروند، اما حاضر نباشند حتی پول بگیرند و برای حب الله سر کلاس بروند؛ نشان می‌دهد نگرش‌ها در آن جامعه مشکل دارد. در درس‌های معارف اسلامی ما در دانشگاه‌ها نوعاً خبری از بحث محبت خدا نیست، مگر اینکه یک استادی خودش از حب الله هم سخن بگوید. معمولاً این‌طور است که می‌آییم خدا را اثبات می‌کنیم ولی این خدا را دوست نمی‌داریم و فقط تابتش کرده‌ایم. بعدش هم می‌رویم می‌بینیم چه دستوراتی داده و آنها را اجرا می‌کنیم و دیگر هیچ! یعنی به موضوع اصلی یعنی «محبت خدا» نمی‌پردازیم و رهایش می‌کنیم.**

باید در فرهنگ جامعه به حب الله یک مقام بسیار رفیع بدهیم. شهدای ما در دوران دفاع مقدس، عطر حب الله را با وصیت‌نامه‌ها و با عمل خودشان در جامعه پراکندند. حضرت امام (ره) نیز در پرتوی نور شهدا فرصت پیدا کردند چهار کلمه از محبت خدا با مردم سخن بگویند.

حب الله در فرهنگ جامعه ما چگونه باید جا بیفتد؟

حب الله در فرهنگ جامعه ما چگونه باید جایفتد؟ حب الله وقتی در فرهنگ جامعه‌ای جا می‌افتد که نگرش و نظر مردم آن جامعه این‌گونه باشد که: «هر کسی خدا را دوست ندارد خیلی بدبخت، بی‌حال، بی‌مزه و بی‌مقدار است؛ چون هیچ‌وقت عمیقاً سرگرم نمی‌شود، لذت نمی‌برد، سرمست نمی‌شود و هیجان واقعی ندارد و زندگی سرد و بی‌روحی دارد.» اگر احساس مردم نسبت به کسی که حب الله ندارد این‌گونه باشد، معلوم می‌شود در چنین فرهنگی حب الله هنوز جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده است. اگر در فرهنگ جامعه‌ای حب الله جافتاده باشد، دیگر هیچ چیز دیگری «جذابیت» نخواهد داشت، مگر آن چیزهایی که مرتبط با حب الله باشند.

شما فکر می‌کنید کسانی که مدام در عشرتکده‌های غرب مشغول هرزگی و عیاشی هستند، نهایتاً چقدر لذت می‌برند؟! مگر چقدر کیف دارد؟ نباید به خودمان دروغ بگوییم و دچار توهم و خیالبافی شویم. واقعیت این است که آنها عمیقاً لذت نمی‌برند، چون ما آدم

هستیم و ساخته نشده‌ایم که از این چیزها لذت ببریم؛ چرا که اساساً انسان برای دنیا ساخته نشده است. (امیرالمؤمنین (ع): **إِنَّمَا بُنِيَ خُلُقْتُمْ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا؛ غررالحکم/ ۲۳۷۸**)

باید محبت خدا را وسط بکشیم. ما بعد از دوران دفاع مقدس تحت یک آزمایش عجیب و غریب قرار گرفته‌ایم؛ خدا به تعبیری به جوان‌های ما می‌فرماید: «آیا می‌توانید بدون اینکه دفاع مقدس و جنگ و شهادت در کار باشد، عاشق خدا بشوید، وصیت‌نامه بنویسید و شب‌ها برای ملاقات خدا گریه کنید؟» یعنی به خاطر اینکه واقعاً دلت برای خدا تنگ شده، گریه کنی؛ نه اینکه بگویی «خدایا! از بس گرفتار هستم مرا ببر تا از شر این دنیا خلاص شوم!»

اگر بخواهیم یک ذره از حب الله را بچشمیم چه کاری باید بکنیم؟/ امام حسین (ع) در ماه محرم، ایستگاه صلواتی زده و حب الله توزیع می‌کند

اگر بخواهیم یک ذره از حب الله را بچشمیم چه کار باید بکنیم؟ امام صادق (ع) می‌فرماید: خدا وقتی بنده‌ای را دوست داشته باشد و برایش خیر بخواهد، یک ذره از محبت امام حسین (ع) را به دلش می‌چسباند؛ من آزاد الله به الخیر قذف فی قلبه حب الحسین ع و حب زیارت‌ک «کامل الزیارات/ص ۱۴۲» وقتی بنده‌ای، این محبت را چشید، خود به خود یک بی‌قراری خاصی پیدا می‌کند، این حال خاص توضیحی است برای بی‌قراری و محبت غیرقابل توضیح نسبت به خداوند.

هیچ کدام از شما نمی‌توانید محبت خودتان به ابا عبدالله (ع) را توضیح دهید. اگر عزیزترین کسان شما هم از دنیا بروند، باز هم شما این کاری که در عزای امام حسین (ع) می‌کنید را انجام نمی‌دهید.

نکته دیگر اینکه معمولاً برای کسی که شهید شده است انسان زیاد غصه نمی‌خورد و این را از سخنان خانواده شهدا می‌شود فهمید. **مادر شهیدی که دو شهید تقدیم کرده بود، می‌گفت: «من اصلاً وقتی به یاد فرزندان شهیدم می‌افتم غصه نمی‌خورم، بلکه دلم شاد هم می‌شود. اما وقتی به یاد امام حسین (ع) می‌افتم، دلم آتش می‌گیرد.» گفتیم: این آتش به خاطر شهادت امام حسین (ع) نیست، بلکه به خاطر محبت امام حسین (ع) است.** یعنی اینطور نیست که چون امام حسین (ع) را به شهادت رسانده‌اند برایش می‌سوزی، بلکه چون امام حسین (ع) را عمیقاً دوست داری، به جلسه روضه و یاد حسین (ع) می‌روی و وقتی از مصائبش می‌شنوی آتش می‌گیری. یعنی این مظلومیت حسین (ع) نیست که تو را آتش می‌زند، بلکه محبت حسین (ع) است که تو را آتش می‌زند!

می‌دانید کسانی که برای بار اول به کربلا می‌روند، در کنار ضریح ابا عبدالله (ع) چگونه می‌سوزند و بال و پر می‌زنند! این یک نشئه و یک جلوه‌ای از حب الله است که در دل مؤمن تجلی پیدا می‌کند. گویا امام حسین (ع) در ماه محرم ایستگاه صلواتی زده و حب الله توزیع می‌کند؛ یعنی می‌خواهد بدون سیر و سلوک، تجربه حب الله را برای همه میسور کند تا مردم ببینند و مزه‌ای از محبت خدا بچشند؛ حتی به بهانه علی اکبر حسین (ع)، علی اصغر حسین (ع) و فرزندان و اهل بیت کتک‌خورده حسین (ع) ...

